

مسجد

همه‌چیز است

حسن رحیم‌پورازغدی: معابد در ادیان مختلف یک‌بعدی و یک‌کاره است و تنها در اسلام است که مسجد مرکز زندگی است. مسجد در اسلام تنها یک ساختمان مقدس نیست؛ بلکه مرکز همه‌چیز است. ساخت مساجد اشراقی خرج بی‌خود است که در آن خبری از انفاق، ایمان و برادری نیست.



حامد سرلکی
روزنامه‌نگار



یادداشت‌ها

بازگشت به اسلاف، گذشته‌گرایی، سنت‌طلبی و ده‌ها واژه دیگری که پیرامون یک تفکر است؛ تفکری که زمان حال را در عین متهم به مدرن شدن، فراموش کار و ناسره می‌داند یا در حالت اغماض گونه‌تری بازگشت به گذشته را برای بهبود کیفیت حال و ساخت آینده مطلوب‌تر در نظر

می‌گیرند. این سلف، خواه نیکو یا خواه در کالبدی غیرنیکو قابل تعریف است. متاسفانه برداشت ما نسبت به سلفی گرایي ذاتا و اصلتا برای خود سلفی‌گرایان قابل اتکا نیست. دلیل این وضعیت پیچیده آن است که اساسا سلفی‌گرایان به نحوه بازگشت به گذشته ما و نوع التزام به الگوی فکری یا عملی در روزگاران گذشته ما هیچ اعتقادی ندارند.

از این‌رو است که سلفی‌گرایی به‌مثابه «پرومته» یکی از ایزدان اساطیری یونان هم در مقام مثبت قرار دارد و هم منفی، هم وصف‌حالی التیام بخش چون آب دارد و هم صورتی نیست‌کننده چون آتش. سلفی‌گرایی به معنای مصطلح امروزی مانند همان نیمه تاریکی شده است که وجهی از اندیشه دینی را به یغما می‌برد. متاسفانه اسلام درگیر این گونه تفکر گذشته‌گرایانه است. زمانی که اندیشه مانند یک آیین دینی شود و تمامی قیده‌ای دین‌مآبانه مانند ایمان، عقل و تقدس در آن پیامیزد شاهد یک نوع هژمونی فکری خواهیم بود که می‌تواند بگوید: «ما سلفی‌گرایان عقل‌مدار هستیم و هم ایمان‌محور». در این جستار سعی بر آن داریم تا شرح به وجود آمدن این جهانالت مقدس (دین‌وارونه) را به چالش بکشیم. حدود و اغراض این مطلب بر سه اصل خواهد بود، «باطن‌گرایی» که گویا موتور محرک این عقیده‌مندی است و پس از آن دو بحث مهم، «ایمان‌آغواکننده»، «تعقل‌ناسازگار»، که در ادامه آن را توضیح خواهیم داد.

فارغ از حدود و ثغور سیاسی و نظام‌مند بودن تاسیس گروه‌های سلفی‌گرا در اسلام، باید دید آن بستری که باعث نشست مناسب این تفکر شده است در چه ظرفیتی تعریف شد. اگر جریان فکری – سیاسی غرب را در بدبینانه‌ترین حالت، عامل به وجود آمدن نوع خشن این گروه‌ها بدانیم و این فرض را در گوشه‌ای بگذاریم باید از خود سوال کنیم مسلمانی به چه آفتی گرفتار شده است که این راهبرد سیاسی غرب توانسته تلفیق مناسبی با برخی مسلمانان داشته باشد. لذا ظرفیتی بوده تا اسبابی روی

آن سوار شود. معذک با رجوع به بدنه اصلی

بحث و مقدمه مشخص درخصوص بازخوانی گذشته‌گرایی باید اندکی پیرامون عقیده این وضعیت سخن گفت. نخستین نامی که باید بر سر آن ایستاد، نام فرقه‌ای موسوم به «حشویه» است. اینان در ابتدا حاشیه‌نشینان مجالس درس حسن بصری هستند که به علت در حاشیه رانده شدن‌شان به حشویون معروف شدند. ظاهربینانی که چند اصل اساسی را دنبال می‌کردند، ازجمله – ظاهر‌گرایی در کتاب قرآن، متن‌انگاری قرآن (عدم توجه

به تفاسیر)، تعلق عمیق به نقل‌گرایی و حدیث، کفر دانستن چون و چرایی در دین، ایجاد سنت‌های جدید در اندیشه‌ورزی (بدعت‌گونه)، قائل به جبر در حکمت الهی و ده‌ها عنوان دیگر. جماعت حشویه یک نام کلی است که در یک نظام فکری منسجم و در همان قرن نخست پیدایش اسلام به وجود آمده و با امامیت «احمد بن حنبل» با نام‌های فکری، فرقه‌ای و جریانی متکثر شدند. اشعریون، حنبلی‌ها و تا عصر امروز گروه‌هایی چون وهابیون و غالب گروه‌های تکفیری خشونت‌طلب، آرمان‌های خود را بر مدار عقیده این حلقه فکری چیده‌اند. شالوده این تفکر بر مدار یک اصل نخست و با بیان بهتر، یک نیاز نهفته صورت پذیرفت. «خودبرتربینی» به واسطه باطن‌گرایی، همان گام نخست در درک دقیق «جهالت مقدس» است. گره خوردن

اندیشه گرام

پذیرش دانش پژوه

در رشته‌های فقه نظام

موسسه آموزشی امام رضا(ع) تحت‌اشراف آیت... علی اکبر رشاد برای سال تحصیلی ۹۷-۹۶ از میان طلاب برای تحصیل در رشته‌های فقه‌تخصصی نظام‌ساز دانش‌پژوهی پذیرد. «فقه‌سیاست، فقه‌قضاء، فقه‌بانکداری، فقه‌اقتصاد و فقه‌اطعمه و اشر به از رشته‌های فقه‌تخصصی ارائه‌شده در این موسسه است و فلسفه‌اصول فلسفه‌علوم انسانی اسلامی، فلسفه فقه و فلسفه دین» از رشته‌های اصلی است.



زندگی

به سبک قرآن

مصطفی عباسی‌مقدم، مشاور وزارت ارشاد: جامعه‌مآبانه‌زمند بازگشت به ارزش‌ها و الگوهای قرآنی است. قرن کریم مانند همه عرصه‌های دیگر به اصلاح رفتار توجه ویژه دارد و به دنبال این است که رفتار همه افراد در حوزه فردی و جمعی اصلاح شود. قرن هم به اصلاح اخلاقیات فرد توجه دارد و هم و در ارتباط با دیگران، سبک زندگی را به خوبی ترسیم می‌کند.



ریشه‌های اندیشه سلفی‌گری

جهالت مقدس



در قرآن حکیم می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنُوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول واولی الامر منکم/ ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید». چندین و چند روایت تاریخی و آیه از قرآن حکیم وجود دارد که بر مبنای اطاعت و الگوپذیری تعریف شده است. این دعوت عمومی برای برخی مسلمانان می‌تواند آن گونه که قرآن فرموده است هدایت‌بخش باشد. اما در این میان عقبه

فکری دسته‌بزرگ حشویه، همان‌هایی که بیشتر در ظواهر مانده بودند بر این مبنا می‌گردد که احکام و مناسک دینی خود را بر مدار سنت غیرتفسیری و غیراستدلالی گذشته بچینند، عینی و غیرمشتبّه. یعنی آن که حتی در نگاه اول حضور فعال‌شان در کشورهای خاورمیانه بر مدار همان رسم کشورگشایی خلیفه‌های اسلامی رفتار کنند. رسم جهان‌گشایی در کنار ظاهربینی دینی که بر گرفته از همان باطن‌گرایی مقدس‌مآبانه است باعث شده که دیگر حشویون حاشیه‌نشین، از اتراقگاه‌های در سایه خود بیرون آمده، پشمینه را در گوشه‌ای نهاده و زره بر تن کنند.

اما در گام‌های بعدی تحلیل تفکر سلفی‌گرا، ایمان غیرعملی این دسته به مرور تبدیل به ایمان آغواکننده می‌شود. یعنی آنکه ظاهربینانی که به‌طور اکمل به تقلید حتی در اصول دین اعتقاد دارند این بار رفتاری طوطی‌وارانه را در حیات خود آغاز کرده و سرانجام به این نتیجه می‌رسند که ایمان آنها خالص شده و آنها در بلندای قله ایمانی قرار دارند. زمانی که انسان، خویش را در بلندای مفروضاتش بنهدارد بی‌شک دیگران را پست‌تر از حتی دامنه‌ها می‌بیند. این، نقطه ورود حشویه دارای باطن‌گرایی – الگوپذیر – جهانگشا – صاحب ایمان آغواکننده

کتاب «درآمدی بر مردم‌نگاری»

منتشر شد

کتاب «درآمدی بر مردم‌نگاری: نحوه انجام تحقیق‌های مشاهده‌ای و مردم‌نگارانه» از سوی انتشارات پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات منتشر شد. این کتاب نوشته «مایکل انگروزیانو» است که توسط جبار رحمانی و محمد رسولی ترجمه شده است. این کتاب راهنمای خوبی برای دانشجویان همچنین آشنایی محققان سایر رشته‌های علوم انسانی با مردم‌نگاری است.



به تکفیرسازی مسلمانان دیگر است. اندیشه‌ای که دیگر جای خود را به توهم قداست داده است از خلیفه سلفی گرا قدیس و پیامبر و از اعضای آن گروه مجاهد فی سبیل الله می‌سازد. نمونه معتبر و مشخص آن، گروه موسوم به «دولت اسلامی عراق و شام» است. مدل فکری طراحی شده در این نگارش با خروجی چون گروه خشونت‌طلب «داعش» برابری می‌کند. حال اینکه جایگاه عقل استدلالی (تعقل) و عقل سازگار در کجاست، کام‌پایانی این جستار بوده که به آن اشاره خواهد شد. من‌باب عقل استدلالی یا همان تعقلی که در صورت قرآنی مترادف با فهم انسان از ایمان است، باید اشاره کرد که سلفی‌گرایان معتقدند که ایمان کامل، خود قدرت امتناع عقلی دارد و تعقل را باید در مصارفی که خلیفه یا به قولی همان اولی الامر نشان می‌دهد، مصرف کرد. «بردگی عقل» یا همان عقلی که با جهالت سازگار و با حقانیت ناسازگار است. در صورتی که نعمت بزرگ تعقل، چون و چرایی کردن در آفاق و انفس، ودیعه بزرگ از روزهای نخستین پیدایش اسلام در شبه‌جزیره حجاز است. علمی که دست در گریبان این قسم تفکرات سلفی گرا ببرد دچار تکفیر، تخریب، نفی‌ش و تنبیه می‌شود، از طرفی با افزوده شدن نیروی قهریه به مقوله سلفی‌گرایی، ترس از مواجهه عقلی با این افراد بیشتر و بیشتر می‌شود. به همین جهت است که باید گروه‌هایی چون داعش را سردمدار ایمان آغواگرانه و تعقل ناسازگار دانست. آنان بر وجوه ایمان خود می‌بالند و عقل را در محافی برده تا در صورت نیاز فرقه یا خلیفه آن را به بیرون بکشند. این گونه هم توانسته‌اند مومن باشند و هم متعهد به سفارش‌های قرآنی به عقل – در صورتی که میان عقل استدلالی و بردگی عقلی تفاوت‌ها بسیار است.

اما آن روی سکه در مکاتب اسلامی و در آموزه‌های پیامبر پسین (ص)، قرآن این مکتوب پاسخگو، عقل و تعقل استدلالی را بالاترین نعمات دانسته و پافشاری قرآن بر تفکر بر رب، خویش، دیگران و هستی - این چهار ضلع اندیشه بشری را بیش از پیش فربه و قدرتمندتر می‌کند، لذا در نزد عموم ائمه هدایت‌کننده مذاهب اسلامی، چون خود پیامبر اسلام (ص) به نقل از یک روایت متواتر که حضرت می‌فرمایند: «ما قسم الله للعباد شیئا اَفْضَلَ مِنْ الْعَقْلِ / خدا به بندگانش چیزی بهتر از عقل نبخشیده است» هیچ مخلوقی والاتر از عقل نزد حق تعالی نبوده و نیست. این بردگی عقلانی شما را وادار می‌کند از کشتار مسلمانان میانمار، گرسنگی مردم در آفریقا، کودک‌کشی در فلسطین و یمن و سوریه و... راحت بگذرید و به دلیل خودبرتربینی و خودمومن‌پنداری با

استفاده از نقشه بازگشت به سلف دست به اقدامات فجیع بزنید. در قواره بازگشت به سلف صالح، سفارش روزهای پایانی پیامبر اسلام (ص) و حدیث متواتر «تقلین» جای شک و شبهه‌ای نیست. آری مسلمان مکلف به اطاعت از فرامینی است که باید خود به ژرفای موضوع برسد که در نتیجه آن حکم را قلبا و عقلا بپذیرد. حشویه‌ای که تا روزگار پیشین در حاشیه نشستّه و سعی بر نشان دادن اضطراب جسم در حالت ذکر داشتند امروز از مرحله بلوغ سده‌های میانی گذشته و دیگر کامل مردان یا حتی زنانی شده‌اند که به نام مسلمانی، فاجعه‌ای اسلامی در

خاورمیانه به راه انداخته و روزبه‌روز بر تکرر و نظام‌مندی آنها افزوده می‌شود. شاید برخی کشمگران، از بین رفتن نظامی این گروه‌ها را روز پایان اندیشه تکفیری بدانند. اما معتقدان به این فرضیه با مدارس پاکستان، اردن، عربستان سعودی، مصر، لیبی و... چه می‌کنند؟ در این نزاعی که در غوغایش، خلیفگان عرب میان سکولاریسم و خلیفه‌گرایی در مانده‌اند چگونه می‌توان، چرت این خواب پردامنه را پاره کرد. جهالت مقدس وضعیتی است که تمامی استعاره‌های عمیقاً دینی می‌توانند در وضعیت تهاجم‌گونه علیه دین استفاده شوند و در نتیجه چیزی جز، تباهی کامل در میان دومین جمعیت دینی جهان به بار نمی‌آورد.



داوری اردکانی در نقد نظریه زوال اندیشه در ایران:

آنچه ایران را راه می‌برد هنوز هم فرهنگ و تفکر ایران است

شأن فرهنگی ایران جلوه‌بیشتری پیدا کرده است. در دوران صفویان ایران فرهنگی و ایران سیاسی در عرض یکدیگر قرار گرفتند اما با پیشامد مدرنیته و مخصوصا ظهور حکومت‌های ملی و نظام‌های جدید سیاسی لفظ کشور معنی تازه یافته و در قاموس سیاست جا گرفت. حدود ۱۵۰ سال پیش با انقلاب مشروطیت در سرزمین ما و در زبان‌مان کشور جای مملکت و ممالک محروسه را گرفت و ایران به‌عنوان وطن بیشتر رنگ سیاسی گرفت. اگر در قدیم ظهور و جلوه سیاسی ایران بیشتر بر فرهنگ مبتنی بود، در دوره جدید سیاست کم و بیش از فرهنگ استقلال جست و به بنیاد کم‌اعتنایی کرد. مع هذا چون هیچ سیاستی بی‌مبنا نمی‌تواند باشد آنچه ایران را راه می‌برد هنوز هم فرهنگ و هنر و تفکر ایران است. اگر گاهی احساس می‌کنیم که با این فرهنگ و هنر و تفکر بیگانه شده‌ایم، بکوشیم بر این بیگانگی غلبه کنیم.»

می‌شود. فارغ از اینکه پرداختن به این قبیله موضوعات احتمالا جزء وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است؛ سوالی که در این میان پیش می‌آید این است که چرا عباس حکومت‌های ملی و وزارت مسکن و شهرسازی متولی بسط نوعی از ناسیونالیسم و ملی‌گرایی شده‌اند؟ پاسخ به این سوال مجال دیگری را طلب می‌کند و نیاز به مذاقه بیشتری دارد اما آنچه در این متن مهم است سخنان استاد داوری در این نشست است که بخش مهم آن توسط کانال تلگرامی ایشان گزینش و منتشر شده است؛ سخنانی که هم‌راستایی با نظریه ایران‌شهری ندارد. استاد داوری در این نشست اظهار می‌دارد: «ایران با اینکه یک موجودیت واحد است همواره شئون متفاوت اما به هم بسته سیاسی، فرهنگی و تاریخی داشته است. در زمان‌های دور شان سیاسی آشکاتر بوده اما در دوره اسلامی لااقل تا زمان صفویه با اینکه رسوم سیاسی سابق کم و بیش محفوظ بوده،

سلسله‌نشست‌های اندیشه و تمدن ایران‌شهری جندی قیل با حضور رئیس فرهنگستان علوم استاد رضا داوری اردکانی به ایستگاه بیست‌وسوم رسید. این سلسله‌نشست‌ها که تلاش دارد اپدئولوژی ایران‌شهری را که توسط سیدجواد طباطبایی صورت‌بندی نظریه شده است، بسط دهد؛ متولی‌ای ندارد جز وزارت مسکن و شهرسازی دولت جمهوری اسلامی ایران. وزارت مسکن و شهرسازی از اجزایی‌ترین بخش‌های دولت است و به تکنسین نیازمند است تا تئور بسین. با این حال طی صدارت عباس آخوندی بر این وزارتخانه، وزارت راه و شهرسازی ازجمله وظایف و رسالت‌های خود را در این دیده است که به بسط این اپدئولوژی همت بگمارد و بخشی از بودجه وزارت مسکن و شهرسازی را صرف این قبیله موضوعات کند.

این سلسله‌نشست‌ها در استان‌ها نیز توسط وزارت مسکن و شهرسازی پی گرفته شده و برگزار

